

زهرا (س)

اسوهٔ نمامی اعصار

یافت و از پدر، دانش و بینش تلقی نمود. او نمونهٔ والای حسن اخلاق و سلامت طبع بود و پیامبر خدا توجهی فراوان نسبت به تربیت و تهذیب او مبذول می‌داشت و به دانشها و فرهنگ دینی آراسته‌اش می‌ساخت و به راه هدایت نبوی و صراط مستقیمش رهبری می‌فرمود.

فاطمه (ع) ضرب‌المثل کمال بود و در وجودش ذخایری از انسانیت و مردمی، عفت و بزرگواری، پاکی و هشجاری، فطانت و آگاهی، که امکان داشت بانویی به آنها دسترس یابد، فراهم آمده بود. فاطمه مباحثات می‌کرد که در مدرسهٔ نبوت تربیت شده و در دانشگاه رسالت به کمال رسیده و از آنچه پیامبر از حق تعالی تلقی کرده بهره گرفته است. فاطمه درخانهٔ پدر و در دامان پرورش او به فضایی آراسته شد که

حضرت فاطمه زهرا (ع) روز جمعه بیستم ماه جمادی الاخری در شهر مکه دیده به جهان گشود. پیامبر خدا چون از تولد فاطمه آگاه شد، سجدهٔ شکر بجای آورد و چون از جانب حق تعالی خبر یافته بود که سلاله و عترت او همه از فاطمه به جهان پدید خواهند آمد او را از همهٔ فرزندانش دوست تر می‌داشت و چشم‌ودل به او روشن می‌ساخت. امّ سلمه گوید: "پیامبر مرا به همسری خویش درآورد و امور دختر خود فاطمه را، به عهده من واگذارد. گرچه من برحسب وظیفه، او را در آداب و موارد مختلف زندگی راهنمایی می‌کردم، ولی می‌دیدم که حَقًّا، او در همه کار و هر مورد، از من داناتر و آگاه‌تر است."

فاطمه درخانهٔ نبوت و رسالت پرورش

هیچ دختر دیگری درمکه به آنها دست نیافته بود و درعین حال به تمام فنون و دانستنی های دختران آنروز جزیره العرب آگاهی و احاطه داشت پس نه جای شگفتی است اگر می بینیم که وی در غزوه بدر، امر زخم بندی و شست و شوی جراحات پدر را به نیکوترین وجه به عهده گرفته و یا در امور خانه داری غالباً "بی آنکه کمک و مساعدتی دریافت دارد، شخصا" به اداره منزل خود می پرداخته است.

فاطمه (ع) با تربینی جدی و عمیق و براساس حق پرستی و وفاداری پرورده شده بود. او خود می دانست که زاده و پرورده دامان شرافت و عظمت است، امتیازی که هیچ یک از دختران حوا را، سر برابری با وی نبود و اطمینان داشت که این اصالت و نجابت دست نیافتنی، او را از هر چیزی دیگری بی نیاز می دارد و با اکتفا به همین سرمایه بزرگ معنوی، درخودسازی و خویشن گرایی با خود، خلوتی داشت و تقریباً از فرزندان آدم و حوا کناره گیری می نمود.

فاطمه (ع) شبیه ترین خلق خدا به پیامبر (ص) بود.

عایشه دختر ابابکر گوید: هیچ کس را به سخن گفتن همچون فاطمه شبیه به رسول خدا ندیدم، هرزمان که وی به حضور پدر خود می آمد، پیامبر به احترامش از جای برمی خاست و دست او را می بوسید و به وی

خوش آمد می گفت و درجای مخصوص خویش او را می نشانید و هرگاه که رسول خدا نزد فاطمه می رفت، او نیز همچنان رفتار می کرد.

از ابن عباس روایت شده که روزی پیامبر خدا نشسته بود و علی و فاطمه و حسنین درحضور او بودند، آن حضرت گفت: "خداوند، تومیدانی که اینان اهل بیت من و از هرکس نزد من محبوب ترند خداوند، دوستان ایشان را دوست بدار و با دشمنان دشمن باش، به آنان که مددکار ایشانند، مدد فرما. پروردگارا ایشان را از هر پلیدی پاک و ظاهر و از هر گناه معصوم و محفوظشان دار و به روح القدس تاییدشان نما."

فاطمه صاحب اخلاقی نیکو و ملکاتی شریف و طبیعتی نجیب بود. احساسی عظیم و فهمی سریع و ذهنی تند داشت. مروتی سرشار و مکارمی تحسین انگیز و دستی فیاض و کفی بسیار بخشنده اش بود. دلی بی پروا و شجاع در سینه اش می طپید با آنکه زیر بار هیچ زوری نمی رفت، از هرگونه خودپسندی و عجب منزه بود، تکبر و تبحر دیگران را به چیزی نمی گرفت و در برابر هیچ عظمتی سرفروود نمی آورد.

فاطمه درکنار جمال ظاهر و اندام موزون، به کمال معنا نیز آراسته بود، از نهایت بزرگواری و نرم خوبی و وسعت صدر برخوردار بود، بانویی شکبیا و متین و باوقار و سنگین بود، فطانت و استقامت

رای و عفت و خویشتن داری را درخود جمع داشت فاطمه پیش از رحلت پدر، پیوسته روشن جبین، گشاده رو و شادمانه و خندان می زیست. تبسمی شیرین لبهای او را تا زمان رحلت پیامبر خدا، ترک ننموده زبانش جز به حق نمی گردید و جز به راستی سخن نمی گفت، کسی را به زشتی یاد نمی کرد و هرگز به غیبت و سخن چینی و همزو لمز آلوده نگردید، دلش گنجینه اسرار دیگران بود و به پیمانهای سخت پای بندی نشان می داد، در مشورتها صادق بود و عذر (و) عذر خواهان را می پذیرفت و از بدیهایشان صرف نظر می کرد. بسیار اتفاق افتاد، که از لغزش دیگران چشم پوشی نمود و بدی بدکاران را با بردباری و بخشایش پاسخ داد، از بدیها گریزان و به خوبیها بسیار رغبت داشت در گفتارش، فوق العاده راستگو بود و بیت جز درخیر و درستی نداشت و در وفای به عهد دقت فراوان می کرد. او خود می دانست که مقام و منزلتی که همسرش علی (ع) نزد رسول خدا بدست آورده تنها به خاطر راستی و درستی و امانت داری اوست.

فاطمه بقره قاف عفت و درستی جای داشت، او را دامنی پاک و چشمی پاک بود و هوای نفس بر او فرمان نمی راند. او در قلعه استوار عصمت و پاکی صیانت می شد او از خاندان پیامبری بود که خداوند

درباره ایشان، آیه تطهیر نازل کرده و به طهارت و عصمتشان چنین گواهی داده داده است که:

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.)

پیامبر (ص) برای فاطمه پیراهنی نو فراهم کرد، تا در شب عروسی خود، به تن کند و به خانه شوهر رود، وی پیراهن وصله دار دیگری نیز داشت، در این میان فقیری به درخانه آمد و پیراهن کهنه ای طلب کرد. فاطمه خواست تا آن پیراهن وصله دار را به او ببخشد، ولی به خاطر آورد که خداوند متعال فرمود: "لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ" یعنی: هرگز به نیکی دست نخواهید یافت، تا آنچه که دوست می دارید، در راه خدا بدهید. (و) به همین سبب، جامه نورا به سائل داد. فاطمه در سخاوت و بخشندگی، به راه پدر خود می رفت و به یاد داشت که فرموده بود "سخاوت و گشاده دستی درختی است بهشتی که شاخه ها در زمین گسترده هرکس که به یکی از آنها جنگ زند، به بهشتش رهنمون خواهد شد." و نیز گفته بود: "سخاوتمند گشاده دست به خداوند نزدیک و به مردم نزدیک و به بهشت نیز نزدیک و از دوزخ دور و مهجور است خداوند، خود صاحب جود و بخشندگی است و آنانکه این صفتها را دارند، دوست می دارد."

ازدواج حضرت فاطمه

این عباس گوید: هرکس که از پیامبر تقاضای ازدواج با فاطمه کرد، آن حضرت نپذیرفت، تا آنکه روزی، سعد بن معاذ انصاری به علی بن ابیطالب گفت: به خدا سوگند، که می بینم پیامبر فاطمه را، تنها برای همسری باتو در نظر گرفته است. و از اینجا معلوم می شود که همه اصحاب، یک دل و یک زبان متفق بودند که تنها مرد شایسته و برازنده این ازدواج، علی (ع) است و بس.

و چرا که چنین نباشد؟ درحالیکه او نزدیکترین یاران و اصحاب پیامبر و نخستین گرونده به اسلام و داناترین مسلمانان نسبت به دستورات و فرامین پیامبر و دین اسلام و از همه فداکارتر و از همه مخلص تر و بی ریتر بود. و با این امتیازات برجسته و صفات والا که داشت، از تمام بزرگان و شخصیتهایی که نامشان در زمره خواستگاران فاطمه دیده می شد، به این کار و به این پیوند خجسته شایسته تر می نمود و در ذهن همه مردم، پیش بینی این واقعه فرخنده وجود داشت مراحل این ازدواج خجسته، در نهایت سادگی برگزار شد و آورده اند که کابین فاطمه، از محل فروش زرهی بود که امام علیه السلام، آنرا به چهارصد و هشتاد درهم بفروخت و بهاء آنرا یکجا به حضور پیامبر آورد. این برگزاری ساده و بی رنگ و ریا از مراسم

عروسی زهرا، نمایشگر این حقیقت بود که بنیان عظیم اسلام، در مسئله ازدواج، تا چه حد برسادگی و عدم تکلیف نهاده است تا آنها که از جهت پرداخت مهرهای سنگین و تهیه جهازیه گران، شانه از زیر بار این مسئولیت مهم خالی کرده اند، بهوش آیند و از اینهمه آسان گیری که دین اسلام عملاً برای امر بزرگ اجتماعی توصیه فرموده پیروی نمایند که بی شک، راه حل قطعی بسیاری از مشکلات جنسی اجتماع که جهان متمدن را به ستوه آورده است، همین است و بس.

فصاحت و بلاغت فاطمه

فاطمه زهرا (ع) نیز چون دیگر افراد اهل بیت، از موهبت فصاحت و بلاغت بهره ای وافر داشت، سخنانش مشتمل بر فقرات متناسب و جمله های یک دست و عالی است، با نیروی گفتار خود، بر دلها فرمانروایی می کرد و با بیان استوار، جانها را درکنه جذب خویشتن می کشید، بیش از هرکس، برخزائن سرشار سخن، مالکیت داشت. به نیرومندیش در تکلم کس نبود با نیکوترین روشهای برگزیده سخن می گفت و سرعت انتقالش از همه افزون تر بود.

همه این امتیازات درخطابه ای که فاطمه درمسئله فدک ایراد کرد خودنمایی دارد. "گواهی می دهم که خدایی جز خداوند نیست، کلمه ای بس

ارجمند که اخلاص را تاویل آن کرد و دلها را متضمن مفهوم آن نمود و معنی آنرا در اندیشه‌ها روشن ساخت. خداوندی که دیده‌ها را توانایی دیدار او نباشد و زبانها را وصف ذاتش ممکن نه و به چگونگی وجود اقدسش اوهام را دست نیست، اشیاء را بقدرت خود از هیچ آفرید و آنها را بی‌الگوئی که در برابر خود نهد، بساخت و به مشیت خویش وجودشان بخشید، بی‌آنکه در این کار، او را نیازی باشد و یا در صورت - بندی‌شان وی را سودی تصور گردد. جز آنکه می‌خواست، تا حکمت خود تثبیت کند و خلق را بر طاعت و بندگی، هشیاری دهد و قدرتش را نمایان سازد و جهانیان را به عبودیت خویش درآورد و دعوت خود را عزیز و گرامی فرماید.

"خداوند، ایمان را برای تطهیر شما از لوث شرک قرار داد و نماز را برای آنکه از کبرتان وارهاوند و زکوه را برای پاک ساختن ارواح و نفوس و افزایش روزی و روزه برای تثبیت اخلاص و حج را برای استحکام کاخ دین و دادگری را برای نزدیکی و تالیف دلها و فرمانبرداری از فرمانهای ما را موجب نظام و انتظام ملت اسلام و امامت و پیشوایی ما را برای امنیت از خطر و بلای تفرقه و پراکندگی و جهاد را موجب عزت اسلام و ذلت کافران و منافقان، و صبر و شکیب را کمکی برای جلب خیرات و امر به معروف و نهی از منکر را برای اصلاح حال

عموم مقرر فرمود."

حضرت زهرا بعد از رسول خدا علیه الصلوه والسلام، هفتاد و پنج روز زندگی کرد و در این مدت هرگز شادمان و یا خندان دیده نشد، هر هفته روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه به زیارت قبور شهیدان می‌رفت و به یاد روزگار گذشته، می‌نالید و می‌گفت: "اینجاست آنجایی که رسول خدا می‌ایستاد و در آنجا، مشرکان قرار می‌گرفتند" و از حضرت صادق علیه‌السلام روایت است که زهرا در آنجا نماز می‌گزارد و دعا می‌کرد و به این حال بود تا زندگی‌اش پایان گرفت.

این فرخنده میلاد را که به اشارت رهبر بزرگ انقلاب اسلامی ایران روز زن نام نهادند به پیشگاه فرزند برومندش حضرت حجه‌بن‌الحسن‌العسکری‌روحی‌ل‌الفدا و نایب بزرگوارش بت شکن قرن خمینی کبیر و رزمندگان غیور جبهه‌های نبرد حق علیه کفر جهانی و همه ملت بپا خاسته ایران و جهان اسلام تبریک و تهنیت عرض می‌نماییم و امید چنان داریم که خدای تعالی عیدی‌مان را در روز میلاد ابریانوی جهان پیروزی کامل لشکریان اسلام در همه جهان و ظهور موفور السورور امام زمانمان بقیه‌الله‌الاعظم ارواح‌احاله‌الفدا قرار دهد.

آمین یارب العالمین

از کتاب فاطمه زهرا نوشته استاد توفیق

ابوعلم ترجمه علی اکبر صادقی